

حسادت، دارویی جز پناه بردن به خداوند ندارد

احمد عدالتیان| در ادامه مرور سوره‌های کوچک قرآن کریم، آیات سوره مبارک فلق را باهم تلاوت می‌کنیم که خداوند می‌فرماید: «قُلْ أَعوذُ بِرَبِّ الفَلقِ، مِن شَرِّ مَا خَلَقَ، وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ، وَمِن شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فی الْعُقَدِ، وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ». بگو به پروردگار سپیده‌دم پناه می‌برم، از زیان مخلوقاتِ که [با انحرافشان از قوانین الهی به انسان] ضرر می‌رسانند و از زیان شب هنگامی که با تاریکی‌اش درآید [که در آن تاریکی، انواع حیوانات مودی و انسان‌های فاسق و فاجر برای ضربه زدن به انسان در کمین‌اند] و از زیان زنان دمنده که [با افسون و جادو] در گره‌ها می‌دمند [و با این کار شیطانی در زندگی فرد، خانواده و جامعه، خسارت به بار می‌آورند] و از زیان حسود، زمانی که حسد می‌ورزد.» در این سوره دربرابر شر سه بیرونی، به پروردگار سپیده‌دم پناه می‌بریم؛ غاسق و نفاثات و حاسد، یعنی درمیان همه‌شروع، شر حسادت، تفرقه‌افکنی، عهدشکنی و توطئه‌های پنهان، اهمیت بیشتری دارد. از میان این‌ها نیز شر حسادت، مهم‌تر است که قرآن کریم ریشه بسیاری از گناهان را در حسادت دانسته است.

حسادت، دارویی جز پناه بردن به خداوند ندارد؛ زیرا وقتی افراد شرور بر قلب و فکر انسان قفل می‌زنند، باید به قدرتی پناه برد که شکافنده و شکننده قفل‌ها و موانع باشد. باید بدانیم که حسادت مایه نتیجه است؛ زیرا خداوند به‌خاطر اینکه بنده‌ای چشم دیدن نعمتی را ندارد، لطف خود را قطع نمی‌کند و ما با حسادت فقط خودمان را رنج می‌دهیم. همچنین حسادت که کم‌وبیش در همه افراد وجود دارد، وقتی گناه است که اقدامی عملی براساس آن انجام شود.

حکمت

چگونه به آرامش برسیم؟

علیرضا وکیل| در دنیای پرشتاب و پراز استرس امروز، بسیاری از خانواده‌ها با چالش‌های فراوانی در زمینه تربیت فرزند و مدیریت روابط ناشابویی روبه‌رو هستند. گاهی اوقات فاصله بین والدین و فرزندان آن قدر زیاد می‌شود که گفت‌وگوارناممکن می‌سازد و این مسئله، می‌تواند بستری برای نگرانی‌های جدی باشد. در این مطلب قصد داریم به بررسی یکی از کلیدی‌ترین مهارت‌های ارتباطی یعنی «گوش دادن فعال» بپردازیم و نشان دهیم که چگونه می‌توان با به‌کارگیری این روش، گره‌های کور روابط خانوادگی را باز کرد و فضایی پر از محبت و درک متقابل را در خانه ایجاد کرد.

کلید گم‌شده صمیمیت

بسیاری از والدین تصور می‌کنند که مشاوره و تربیت یعنی نصیحت و سخنرانی کردن در حضور فرزندان، درحالی‌که مهم‌ترین رکن ارتباط موفق، توانایی شنیدن حرف‌های طرف مقابل است. گوش دادن فعال صرفاً سکوت کردن در زمان حرف زدن دیگری نیست، بلکه تمرکز عمیق بر کلام و احساسات اوست، بدون اینکه قضایوتی در کار باشد. وقتی فرزندان احساس کند که حرف‌هایش واقعاً شنیده می‌شود، اعتماد به نفس او زیاد می‌شود و موانع دفاعی‌اش فرومی‌ریزد؛ برای مثال وقتی فرزندان از دید رفتاری معلمش شکایت می‌کنند، به جای اینکه فوراً بگویند «حتماً تو کار اشتباهی کردی»، با نگاهی مهربان بگویند: «می‌فهمم که الان خیلی ناراحتی و احساس بی‌عدالتی می‌کنی.» این تأیید احساسی، پلی محکم برای ارتباط است.

ایجاد پیوند قلبی با معنویت

باید توجه داشت که تکنیک‌های ارتباطی همراه با پشتوانه معنوی و اخلاقی، بهترین اثربخشی را خواهد داشت. از این رو پیوند دادن مسائل روزمره زندگی با آموزه‌های دینی و اخلاقی، به خانواده استحکام می‌بخشد و انگیزه‌ای مضاعف برای گذشت و فداکاری ایجاد می‌کند. وقتی والدین بپذیرند که خانواده، مدل کوچک‌شده جامعه و محلی برای تمرین رسیدن به کمال انسانی است، سختی‌ها را تحمل می‌کنند و با دیدگاهی بلندتر به مشکلات نگاه می‌کنند؛ به عنوان مثال در هنگام بروز اختلاف نظر بر سر انتخاب رشته تحصیلی فرزند، به جای لجبازی، با او مشورت و توکل را پیشه کنید. این رویکرد نه تنها مشکل را حل می‌کند، بلکه روحیه معنوی و توکلی را در فرزند نهادینه می‌سازد.

احکام محرم

دست‌بالا بردن برای دعا است!

حسین ابراهیمی| پرسیدند آیا انسان می‌تواند در هنگام سخن گفتن و توسل کردن به ائمه^(ع) دستان خود را مانند دعا به سمت آسمان بگیرد؟



همه می‌دانند که ما دعا را از خدا می‌خواهیم؛ یعنی درخواست حاجت از خداوند است و ائمه اطهار^(ع) را واسطه فیض الهی می‌دانیم و به آن‌ها توسل می‌جوئیم به عنوان حجج و اولیای الهی که در پیشگاه خداوند قرب و منزلتی دارند. آن‌ها را واسطه قرار می‌دهیم. وایتغوا الیه الوسیله؛ این دستور قرآن است. بنابراین توسل به آن‌ها به عنوان وسیله و شفیع و کسی است که در پیشگاه خداوند، قرب و منزلتی دارد و اصل حاجت را از خداوند می‌خواهیم.

اگر کسی دست به دعا بردارد و خدا را قسم دهد – مثلاً به امام حسین^(ع)، به پیامبر^(ص) و سایر اولیای الهی – داعی داشته باشد و حاجتی را بخواهد، این اشکالی ندارد. همه می‌دانند که ما اعتقادمان بر این است که شخص پیامبر^(ص) و ائمه اطهار^(ع)، عباد الهی هستند، بندگان واقعی خدا هستند. ما در تشهد می‌خوانیم اشهدان لا اله الا... وحده لا شریک له، اول شهادت به وحدانیت خداوند، بعد از آن می‌خوانیم و اشهدان محمد عبده و رسوله؛ یعنی حتی پیامبر^(ص) را به عنوان عبد و بنده خدا و فرستاده خدا می‌دانیم.

سجده بر امام حرام است

همه مراجع معظم تقلید و آیت‌الله‌العظمی شهید سید علی خامنه‌ای، فتوایشان بر این است که اگر کسی به حرم مشرف شد و برای صاحب حرم، حتی امام، سجده کند، آن سجده حرام است؛ سجده فقط برای خداست. سجده شکر به عنوان شکر الهی جهت زیارتی که نصیبتش شده این اشکالی ندارد. اما سجده برای امام نیست، اگر صریح بوسیده می‌شود. اگر در دیوار بوسیده می‌شود، به خاطر شدت ارادت به صاحب آن خانه است. نه اینکه این‌ها علاقه‌مند به آهن و فولاد و سنگ و آجر باشند، مثل بوسیدن پیراهن حضرت یوسف^(ع) است که پیامبر خدا حضرت یعقوب^(ع) بوسید و بر چشم خود گذاشت. بنابراین در موضوع بالا نیز دست‌بالا بردن و به سوی آسمان بلند کردن فقط برای دعاست و اگر در حال بالا بردن دست، اهل بیت^(ع) را نام ببرد و واسطه قرار دهد، ایرادی ندارد.



خانواده مقاوم؛ کانون ارزش‌های الهی و انسانی



سمانه رضوانی| در روزگاری که همه با هجوم بی‌امان رسانه‌ها و موج خبرهای راست و دروغ روبه‌رو هستیم، خوب است به بازخوانی الگوی خانواده در مکتب حسینی بپردازیم که این نه یک توصیه اخلاقی صرف، بلکه یک ضرورت راهبردی برای حفظ هویت و کارآمدی نسل‌هاست. عاشورا، فراتر از یک واقعه تاریخی، نمایشگاهی کامل از «مدیریت خانوادگی جبهه»، درحرانی‌ترین شرایط ممکن است؛ جایی که هریک از اعضای خانواده، از طفل شیرخوار تا مرد و زن سالخورده، نقشی تعیین‌کننده در ثبت یک حماسه ابدی ایفا کردند.

گزارش

جبهه‌ای که از خیمه آغاز می‌شود

مقاومت فرهنگی از دل خانواده شکل می‌گیرد. پیش از آنکه به جامعه و سیاست برسد. در واقعه کربلا، امام حسین^(ع) با تشکیل «جبهه خانواده» در برابر انبوه لشکر دشمن، این حقیقت را به تصویر کشید که کوچک‌ترین نهاد اجتماعی در صورت انسجام، می‌تواند بزرگ‌ترین تحولات تاریخ را رقم بزند. بانوان خاندان علوی، از زینب کبری^(ص) گرفته تا حضرت رباب و ام‌کلثوم^(ص)، با مدیریت صحنه پس از شهادت، توانستند پیام نهضت را فراتر از یک نبرد نظامی، به یک جریان ماندگار فرهنگی تبدیل کنند. این الگو، به مثابه «جهاد تبیین» درون خانواده‌ای، امروز نسخه‌ای کارآمد برای رویارویی با شبهات و تهاجم فرهنگی است.

استقامت در برابر طوفان‌های اجتماعی

عاشورا نشان می‌دهد که خانواده فقط یک پناهگاه امن نیست، بلکه سنگر استقامت نیز می‌باشد. کاروان حسینی هنگام مواجهه با اقتصادی‌ترین و سخت‌ترین فشارها (قطع آب و محاصره) و پیچیده‌ترین تنش‌های سیاسی، از هم نپاشید. امروز نیز خانواده‌ها با انواع فشارهای روحی از سمت رسانه و مشکلات اقتصادی ناشی از دوران جنگ و... دست و پنجه نرم می‌کنند. مدارای حضرت رباب^(ص) در برابر تشنگی طفل شیرخوار و شکیبایی حضرت زینب^(ص) در برابر فقدان و شهادت برادر و فرزندان، درسی بزرگ برای خانواده امروز است. الگوی حسینی به ما می‌آموزد که استقامت در خانواده، به معنای انکار مشکلات نیست، بلکه به معنای مواجهه هوشمندانه و عاشقانه با سختی‌ها برای حفظ «محوریت خانواده» است.

رسالت آموزشی خانواده در گفتمان حسینی

در مکتب امام حسین^(ع)، خانواده مهم‌ترین نهاد تربیتی و انتقال ارزش‌هاست. امام^(ع) با فرزندان خود همان‌گونه گفت‌وگو می‌کرد که با یک فرد بالغ سیاسی، روش تربیتی ایشان مبتنی بر بیدارگری و ایجاد درک توحیدی بود، نه دستور و اجبار صرف. آنچه در شب عاشورا رخ داد، یک کلاس درس عمومی برای خانواده‌هاست؛ چگونه با فرزندانمان از مرگ، شهادت، عدالت و هدف صحبت کنیم بدون اینکه در آن‌ها احساس ترس یا ناامیدی ایجاد شود. عصر ما نیازمند بازتعریف نقش تربیتی خانواده براساس این آموزه عمیق حسینی است تا نسلی پرسشگر، شجاع و متعهد، پرورش دهد.



عقبو مجمع نمایندگان طلاب و قضایای حوزه علمیه قم

این یعنی تمدن‌سازی بدون «پایبندی به تکلیف»، ناممکن است. اگر تمدن نوین اسلامی، از آرمان‌های خود – که همان اقامه قسط و عدل است – کوتاه بیاید، در دوزخ سازش و ذلت یزیدیان زمان، سقوط خواهد کرد.

استقامت؛

تلازم «تکلیف» و «نصرت الهی»

در تمدن مادی، وقتی فشار زیاد می‌شود، عقل محاسبه‌گر مادی، فرمان «عقب‌نشینی» می‌دهد. اما در تمدن نوین اسلامی، وقتی «تکلیف» روشن است، فشار تبلیغاتی، تحریم و تهدید، نه تنها مانع نیست، بلکه «آزمون استقامت» است.

ما در مقابل آمریکا کوتاه نمی‌آییم؛ نه به این دلیل که لزوماً در هر لحظه، پیروزی نظامی قطعی را می‌بینیم، بلکه چون «وظیفه ما ایستادن است.» وعده الهی برای «محسنین» که در سوره عنکبوت آمده، نتیجه همین وفاداری به تکلیف در دل فتنه‌هاست.

منطق تکلیف؛ موتور پیشران تمدن‌سازی در مکتب عاشورا

جمهوری اسلامی؛

تجلی «عاشورا» در عصر دولت‌سازی

جمهوری اسلامی، امتداد عاشورا در مقیاس حکومتی است. «وظیفه» در عاشورا، فدای جان برای نجات حقیقت بود؛ «وظیفه» در جمهوری اسلامی، فدا کردن مصلحت‌های مادی برای ساختن «تمدن مهدوی» است. هیئت‌ها در این مسیر، «مدرسه» هستند؛ محسنین، «کادر تمدن‌ساز» هستند و منطق تکلیف، «قطب‌نمای حرکت» است.

عبور از فتنه‌ها با «تکلیف‌مداری»

فتنه‌های آخرالزمانی – که تاریکی خود را در شبکه «بیت عنکبوت» و تمدن غربی می‌پوشاند – تنها با چراغ «تکلیف» کنار می‌روند. تمدن نوین اسلامی نه با وعده‌های دنیوی دشمن، مرعوب می‌شود و نه با هیمنه ظاهری آنان متوقف می‌ماند. ما با اتکا به توفیق الهی، به راه خود ادامه می‌دهیم؛ چراکه عاشورا به ما آموخت: «وظیفه»، همه چیز است.